



۲۰۱۶/۰۹/۱۹



بصیر صباح

غني! خوابي يا غفلت و يا ترس و سکوت؟

بخش سوم



برو در کشور ما بگرد و بنگر
شما با ریش و با پکول نازید
همه خراب اند با حال اپتر
ولي هر روز میزینید دو صد عر

تمام کسانی که در حکومت وحدت ملی شامل هستند در طول سی و پنج سال به جنگ و غارت و چپاولگری مشغول بودند. دولت وحدت ملی در حال حاضر برای تداوم قدرت جنایتکاران و غارتگران و برای تداوم نظام مافیایی حکومت فعلی به وجود می آید. حکومت برای تعیین چگونگی تقسیم چوکی ها و منصب ها است. مردم بر این باورند که تشکیل این حکومت به معنای تداوم قدرت چهره های گذشته است و در واقع نمی تواند تأثیر مثبتی در روند حکومتداری بگذارد.

امنیت و آرامش امروز در وطن به یک رویایی دست نیافتنی و یک کابوس وحشتناک تبدیل شده است. امنیت به دست کسانی است که دیروز به منظور حرفه ای شدن نشانه زنی، عابرین را به گلوله می بستند. به دست کسانی هست که افتخار خرابی این شهر را به گردن آویخته اند. آنانیکه سال های سال است در مقابل ملت ستم دیده و مردم رنج کشیده زور گفتند، کشتند، بستند و بردند و از اموال بیت المال و از خون ملت قصرها، بلدنگ ها و آسمان خراش ها ساختند و در مقابل دید جامعه بین المللی و قوای ناتو ثروت ملی را به تاراج می برند و دستان شان بیشتر از گذشته به خون بی گناهان آلوده شده است.

ماجرای قتل و ترور سران جمعیت:

چه قدر فاصله اینجاست بین آدمها چه قدر عاطفه تنهاست بین آدمها
کسی به حال شقایق دلش نمی سوزد که او هنوز شگوفاست بین آدمها
کسی به نیت دل ها دعا نمی خواند غروب زمزمه پیداست بین آدمها
تمام پنجره ها بی قرار بارانند چه قدر خشکی و صراست بین آدمها

جناب رئیس جمهور! سران جمعیت (بخصوص شورای نظار)، اتحاد سیاف و حرکت که در پانزده سال اخیر جزء جرگه قدرت در ارگ بوده اند، داد می زنند که دولت، عاملان «قتل های زنجیره ای» نظامیان وابسته به جمعیت را پیگیری نمی کند. اینان در واقع حلقه مسئولیت و حسابگیری را به گردن خود شان می اندازند.

منظور آنها از «حکومت» و «دولت» چیست؟ شروع ترور ها از سید مصطفی کاظمی (حرکتی وابسته به شورای نظار) که از سوی انتحاری ها آماج قرار گرفتند، که خود مقامات و شخصیت هایی که حالا دولت را به اهمال در پیگیری عاملان ترور متهم می کنند، یا وزیر خارجه، یا وزیر داخله یا رئیس امنیت و یا رئیس ولسی جرگه یا والی و... بوده اند. از همان زمان فهیم قسیم و خلیلی معاونان چپ و راست رئیس جمهور بودند و حالا هم هستند؛ از همان زمان، بسم الله محمدی لوی درستیز و وزیر دفاع بوده حالا هم عر می زند. و تورن اسماعیل، عطا محمد (چور) هم در رأس مقامات عالیه قرار داشتند و حالا هم ستون پنداشته می شوند. گذشته ازین، بقیه در ولسی جرگه و جمع مشاوران ارشد رئیس جمهور و یا به حیث سفیران و فرماندهان اردوی ملی و پولیس، شورای امنیت ملی یا در رأس شورا های ولایتی و یا هم به عنوان منتفدین محلی، بر حال و حاضر در صحنه بوده اند و حالا هم هستند. پس هدف اینان منتقد و شاکی، ازین که دولت و حکومت نتوانسته سر نخ های ترور های شخصیت ها را کشف کند، چه کسانی است که تا حال از آسمان نازل نشده و یا در سیاره مریخ یا کره ماه سکونت گزیده اند؟!

همین امنیت ملی از زمان عارف سروری، شروع تا امرالله صالح به طور کامل در اختیار حکومت حاکم قرار داشت

و اسدالله خالد فرد نزدیک به سیاف، کرزی و فهیم. همین امنیت ملی از «الف» تا «ی» تحت اوامر شان است و هر روز هم از طریق مطبوعات و اعلامیه های رسمی دولت توضیح می دهند که آدرس اصلی ترور و تروریست ها، «شورای کویت» یا حلقات وابسته به «آی. اس. آی.» است؛ پس آیا یک مهاجر دور از وطن، یک جوانی شهر و یک تکسی ران کابل بیاید و شبکه های ترور را برای شان رد یابی کنند؟ همه چیز



روشن است و هیچ چیزی هم نا شفاف باقی نمانده است، خود منتقدان، هم دولت، هم حکومت، و هم قاضی اند و اردو و پولیس و امنیت ملی زیر ریش شان است. پس چه کم دارند که زبان به شکوه می گشایند و از «دولت» طوری یاد

می کنند که گویا دولتی است که تشکیلاتش از کدام سیاره دیگر نازل شده و در نظر اینان کاملاً ناشناخته است. یا دولت به طور کل پیچ و مهره اش بر ضد «مجاهدین» است و همدست گروه های طالب که به جان قوماندان ها و سیاسیون «مجاهدین – چپاولگران» ساطور برداشته اند!

به شمول کرزی و صدها مشاور و سکرتر و دستکی ها، همه به اردوگاه اینان و اکنون نیز رئیس اجرائیه، پنجاه پنجاه کابینه، وزارت داخله، معین ارشد امنیتی، معاونین امنیت ملی و... تعلق دارد؛ حتی یک مدیر در یک وزارت بدون مجوز و تأیید دسته بندی مقامات، مقرر نمی شود. از کی توقع دارند گره از مشکل شان بگشاید؟

قانونی، عبدالله، امرالله صالح، بسم الله محمدی، ملا معنوی، عتیق بریالی، جبار والی کابل و ده ها تن دیگر که قدرت حکومت و نظام بودند و هستند، آیا اینان توقع دارند که یک حمام چي و یا شیر فروش و کیلنر بیاید ماجرا های ترور را تعقیب نماید؟



مگر اوباما، آصف علی زرداری یا احمدی نژاد و خامنه‌ی، امام علی رحمان، بیابند تحقیق کنند تا جنرال داود و ربانی و انجنیر عمر و مولانا سید خیل را چه نیرو هایی از صحنه حذف کرده اند؟ این درحالی است که طالبان به حیث پیشقراول جنگ و ترور، همواره اعلام می کنند که این کشتار ها را ما انجام داده ایم. بنا برین، آیا اینان راه را گم کرده اند یا قصد گمراهی اذهان عامه را دارند؟ آیا ما با یک سوژه طنز سیاسی اداری سر و کار نداریم؟

تورن اسماعیل می گوید: "توپ و تانگ ما را جمع کردند و مثل آشغال در یکجا سرهم ریختند و به عوض آن دختر آلمانی آوردند، دختر فرانسوی آوردند، دختر هالندی آوردند، دختر امریکایی را مسلح کردند، عسکر سفید پوست اروپایی آوردند، عسکر سیاه پوست افریقایی آوردند و فکر کردند که در اینجا امنیت آورده می توانند، اما نتوانستند؛ نظامیان خارجی قادر به تأمین امنیت افغانستان نیستند و باید سهم بیشتر به مجاهدین داده شود. وی در تلاش ایجاد نهاد مخصوص نظامی از مجاهدین سابق است و در این باره با رئیس جمهور کشور نیز گفت و گو هایی شده است. با شخص جناب رئیس صاحب دولت که یکی از مجاهدین است، در رابطه صحبت های مفصل داشتیم، و در مرکز

افغانستان فعلاً نام نویسی و روی یک آجندا و مسوده تشکیل جهادی در سطح افغانستان کار می کنیم. وی تأکید می ورزد که هم اکنون حکومت در حال ترتیب طرح این نهاد مخصوص است."

طالبان دولتی را بشناسیم:

آنچه بیش از همه قابل تأمل و اندیشه می باشد، اینست که نه تنها در ریشه کن کردن سیستم و شیوه های قوماندانان سالاری و حاکمیت تفنگ کار مؤثری صورت پذیرفته، بلکه بصورت مستقیم و غیر مستقیم در تقویه پایه های سیاسی و قدرت اقتصادی آنان مؤثریت روا داشته شده است. درحالیکه در اوضاع کنونی و در طی بیش از چهار سال این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانون مندی، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نا به سامانی ها، کار های بزرگی انجام میشد اما این مأمول ها تحقق نیافته باقی مانده و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی، کاملاً در حال بدل شدن به یأس تلقی میشود. افغانستان با این همه سلاح و سلاحدار به آتش زیر خاکستر می ماند که هر آن امکان دارد با کوچکترین بی احتیاطی این آتش زیر خاکستر شعله ور گردد که البته حضور نیروهای جنگ سالار در ادارات مهم امنیتی و سیاسی به این وضعیت بیشتر دامن زده است، اما آیا با مسامحه کاری و میدان دادن به نیروهای جنگ سالار تحت عنوان نیروهای مقاومت و مبارز می توان از این واقعه جلوگیری کرد؟ نه، بلکه می توان بر دامنه این تهدید نیز افزود.

دهها هزار میل سلاح نزد گروپ های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کل کشور هستند. اگر سلاح جمع آوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه انفاق می افتند. همین حالا تنظیم های حزب گلبدین، جمعیت ربانی، شورای نظار، اتحاد سیاف، وحدت اکبری، وحدت محقق، حرکت های اسلامی و ... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر یک ده ها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروهها و بعضی از قوماندانان و مسئولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی سلاح کوت های خود را حفظ کرده اند.

حال که در موجودیت نیروهای آیساف و ائتلاف بین المللی امکان درگیری های فرسایشی جبهوی بین گروپ های مختلف و متخاصم وجود ندارد، گروپ های مسلح صرف بخاطر کسب امتیاز و غارت دارایی های مردم به سلاح خفیف و متخاصم دارند. سلاح های خفیف و مهمات را حفظ کرده، سلاح های دیگر چندان به دردشان نمی خورند. از تمام سلاحکوت هایی که توسط نیروهای امنیتی داخلی و خارجی تا حال کشف شده، در آن ها نه سلاح سبک و نه مهمات شان وجود داشته، که این خود نشان می دهد سلاح های سبک تهدید کننده اصلی امنیت کشور بوده، همچنان در دست تنظیم ها و گروپ های مسلح باقیمانده است.

سلاحکوت های قسیم فهیم و بسم الله محمدی در پنجشیر، امان الله گذر و قسیم جنگل باغ در کوه دامن، بصیرسالنگی در پروان، انواع گوناگون سلاح و مهمات تورن اسماعیل در هرات، سید حسام الدین و دار و دسته اش در دوشی، سلاح های قوماندانان فرید در کوه بند کوهستان، هزاران میل سلاح قوماندانان پنجشیر، سلاح عارف داوری در شهرستان، هزاران میل سلاح عطا در مزار شریف، سلاح علی یار و ابوذر در بامیان، سلاح ظاهر قدیر و قوماندان حضرت علی در ننگرهار و لغمان، اسلحه ۱۵۹ نفر از قوماندانان حزب اسلامی، سلاح ملا شیر محمد و عبدالرحمن جان، شیر علم و سیاف و ... گل آقای شیرزی از قندهار را چه وقت جمع آوری کرده اند؟!

سوال اینجاست که همین قوماندانانی که در قطعات نظامی به پروسه «دي دي آر» پیوستند، آیا ۲۰ فی صد سلاح خود را تحویل داده اند؟ آیا ۸۰ فیصد آنها را برای روز مبادا نگهداری نکرده اند و آیا با همین سلاح همین امروز غارت و چپاول نمی کنند؟

انتقال این مقدار مواد مخدر به خارج از کشور، درگیری ها، راه گیری ها، اختطاف ها و قتل در شهرها حتی در پایتخت با کدام سلاح صورت می گیرند؟ مگر قوماندانان نذیر و زلمی مجددی در بدخشان، قومندان عطا در مزار، حضرت علی و حاجی دین محمد، ملا شیر محمد و عبدالرحمن جان در هلمند، قاضی کبیر و بشیر چاه آبی در تخار، مطلب بیگ و پیرام قل در کندز، قوماندان سلام در غور، امان الله در شیندند، افراد اسماعیل خان در هرات، انجنیر غفار در ننگرهار، کشمیر در کنرها و ... خلع سلاح شده اند؟ در جریان سه دهه جنگ بیشتر از یک و نیم میلیون میل سلاح خفیف از چار طرف وارد افغانستان شده است که از آن جمله تا حال ۲۴ هزار میل آن جمع آوری گردیده.

اگر ۲۰ در صد آن زیر خاک پوسیده باشد، باز هم حدود یک میلیون میل سلاح در دست سرگروپها و اشخاص منفرد باقیمانده است و این در حالی است که ورود سلاح از پاکستان توسط طالبان و حزب اسلامی کماکان ادامه داشته هر روز بر انبار سلاح و مهمات در کشور ما افزوده می گردد.

جامعه جهانی اگر مایل است که در مجموع سلاح از افغانستان جمع آوری گردد، باید سلاح قوماندانان و سرگروپها را از دست شان خارج سازد، در غیر آن ادعای شان مبنی بر خلع سلاح در افغانستان، خیالی و دروغی بیش نیست. امنیت یکی از همان اصطلاحات و اسمای بی مسامی است که از زبان مسولین دولتی و تریبیونها و بلند گوها در داخل و خارج کشور به مود روز و مود سال بدل گردیده، اما واقعیت خلاف آن است که می بینیم، می شنویم و احساس میکنیم.

زور گویی ها بی کفایتی مسولین بلند پایه دولتی، استخدام اشخاص مفسد در رده های بلند دولتی غارت کمک های جامعه جهانی غارت بیت المال از سوی برخی وزیران، قوماندانان جهادی جنگسالار، والیان، ولسوالان و دیگر افراد در ولایات کشور جریان دارد.

کرزی و یاران تفنگدارش در این چند سال تا جایی که توانستند به قانون شکنی روی آورده و تا توانستند با دموکراسی، آزادی عقیده و بیان در کشور مقابله کردند و نقض حقوق بشر را گسترش دادند. عقب نشینی از برنامه عدالت انتقالی، تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، افزایش سانسور رسانه ها و خبرنگاران، گسترش قدرت جنایتکاران و حمایت قاطع از آنان، همه و همه نشانی از این است که این رژیم به هیچ وجه با دموکراسی، حقوق بشر، مردم سالاری و عدالت اجتماعی اعتقادی نداشته. در اداره کرزی روز بروز بر تعداد جرم و جنایت افزود میگردد. چرا جرم و جنایت صد برابر شد؟ در روز روشن غارت مسلحانه، قاچاق احجار قیمتی، کودک ربایی، اختطاف کارمندان بین المللی، ترورهای سیاسی، غارت کمک های بازسازی، رشد عقاید منفور بنیادگرایی، زندانی ساختن زنان و رشد فعالیت های روز افزون سرویس های جاسوسی خارجی و بخصوص همسایگان، رشد تولید و قاچاق مواد مخدر همه و همه کاریست که بشکل از اشکال تفنگداران، زورگویان و قانون شکنان در آن سهیم اند.

جنایتکاران جنگی افغانستان که جنایات و قساوت شان به مراتب نسبت به جنایتکاران بازنیا موحش تر و حیوانی تر است، همه طی دهسال گذشته بوسیله ملل متحد، امریکا و متحدانش در قدرت نصب شدند و بالاترین پست های دولتی برایشان داده شد و دست شان در هر جنایت و چپاول و فساد باز گذاشته شده است؛ به این هم اکتفا نکرده، به مرده

هایشان لقب داده شد و به زنده ها اجازه داده شد که جنایات خود را ببخشند و برای فرار از هرگونه بازپرسی قانون خاینانه عفو بسازند و حال به آنانی که بیرون از دایره قدرت مانده اند رشوه پیشکش میکنند که به اداره فاسد، مافیایی و پوشالی ببیوندند و مثل دیگر جانبیان از نعمت های موجود بهره برند.

به دلیل این خیانت نابخشودنی غرب نسبت به مردم و وطن ماست که با وجود بیشتر از ده سال جنگ، کشتار دهها هزار هموطن بیگناه ما، بربادی و مصرف صدها میلیارد دالر هنوز هم وضعیت افغانستان از بد بسوی بدتر شدن روان است. بدون محاکمه جنایتکاران و تأمین عدالت، افغانستان هرگز روی صلح، ثبات، آزادی و دموکراسی را نخواهد دید. و تا زمانیکه مردم افغانستان خود برای عدالت و آزادی تلاش و پیکار ننمایند، کسی این ارزشها را به آنان هدیه نخواهد کرد و وضعیت به همین منوال ادامه خواهد یافت.

تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارات و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که از سپیده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و در دولت انتخابی به اوج خود رسیده است. در افغانستان بسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی، قبلاً فرماندهان جناح های مختلفی بوده اند که برای سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ در جبهه ای واحد به امریکا کمک می کردند.

روزنامه گابریک چاپ روسیه نگاشته که امروز همه طالبان تحت فرمان ملا هیبت الله نیستند و در جریان گزارش خود چنین اضافه کرده:

عطا محمد در حدود سه هزار طالب دارد.

امان الله گذر حدود دونیم هزار طالب دارد.

بسم الله محمدی حدود دو هزار طالب دارد.

ادیب فهیم هزار و دو صد طالب دارد.

محمد محقق دو هزار و پنجمصد و چهل طالب دارد.

فضل هادی مسلمیار هزار و پنجمصد طالب دارد.

اسماعیل خان دو هزار و دو صد طالب دارد.

جنرال ملک هفتصد طالب دارد.

رووف ابراهیمی چهار صد طالب دارد.

اینها افرادی را حمایت نموده بنام طالب حمایت مادی و مالی می کنند تا به اعمال غیر مشروع و اهداف غیر انسانی شان دستیابند. بالفرض اگر ملا هیبت به پروسه صلح ببیوندند و همه سلاح و مهمات خود را تسلیم دولت کند باز هم ریشه طالب خشک نخواهد شد. طالبان دیروز از ملا عمر دستور می گرفتند ولی امروز نمیتوانیم از چنین وضعیتی سخن زد. طالب امروز ریشه مافیایی افراد بلند رتبه دولتی دارد که خاتمه دادن به این مافیا، کار سهل نیست. بیشترین طالب امروز به فرمان عطاء محمد فعالیت می کند.

ادامه دارد...